

بررسی فقهی و حقوقی ماهیت و مشروعیت صدور توثیقی اسناد براتی*

حسین بهرامی (نویسنده مسئول)**

علی اکبر ایزدی فرد***

چکیده

معاملات اعتباری در تجارت، نقش مهمی را ایفا نموده و ضرورت وجود آن بر همگان مبرهن می‌باشد. صادر شدن اسناد براتی جهت توثیق با امان بر امتیازهای آن اسناد نسبت به اسناد عادی، راهکار مناسبی برای آن مهم می‌باشد. مقنن در ماده ۷۷۴ قانون مدنی که از پیشینه فقهی برخوردار می‌باشد، موضوع رهن را عین معین دانسته و رهن دین و منفعت را باطل می‌داند، اما در مواردی از آن موضع عدول نموده و برخی از مراجع تقلید نیز بر صحت صدور توثیقی اسناد براتی فتوا داده‌اند، از این رو بررسی مشروعیت قرارداد فوق ضروری می‌باشد. اسناد براتی با تکیه بر قضاوت عرف، فاقد مالیت است. توثیق اسناد یاد شده در مرحله صدور دارای ماهیت حقوقی واحد نیست. مواردی که تحت شمول رهن دین قرار می‌گیرد با عنایت به ماده فوق باطل می‌باشد. فرض مشمول رهن اسکناس با توجه به صحت آن قرارداد، صحیح است. همچنین موارد تحت شمول عقدی بی‌نام با عنایت به مواد ۱۰ و ۷۵۸ قانون مدنی، اصول صحت، اباحه، لزوم و عدم و پذیرش عقد معلق و صدور توثیقی چک از سوی مقنن، معتبر می‌باشد.

کلید واژه‌ها: توثیق، رهن، اسناد براتی، صدور، عقد بی‌نام.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۰۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۱۰ - نوع مقاله: علمی، ترویجی.

* استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه بزرگمهر قائنات/ h.bahrami@buqaen.ac.ir

*** استاد فقه و مبنای حقوق دانشگاه مازندران/ izadifard@umz.ac.ir



مقدمه

تجارت نوین، مقتضی معاملات اعتباری و اخذ اعتبار است و توثیق اسناد تجاری قسمی از آن معاملات می‌باشد. ماده ۷۷۴ قانون مدنی و پیشینه فقهی آن که دال بر لزوم عین معین بودن موضوع عقد رهن بوده، صحت توثیق اسناد براتی را محل تردید قرار داده است. البته اقتضائات تجارت سبب شده که مقنن در برخی موارد از خود انعطاف نشان دهد. برخی از مراجع تقلید نیز صحت توثیق اسناد براتی را با مانعی مواجه ندانسته‌اند. توثیق اسناد براتی (برات، سفته و چک) از دو طریق در عرف متداول است:

۱. صدور اسناد براتی جهت توثیق:

در این قسم مدیون برای اخذ اعتبار و جهت تضمین، سند براتی را که به عدم پرداخت معلق شده است؛ به نفع داین صادر می‌نماید.^۱

۲. ظهرنویسی اسناد براتی جهت توثیق:

در این قسم مدیون که دارنده سند براتی می‌باشد، سند را انتقال نمی‌دهد، بلکه به جهت ضمانت، ظهرنویسی می‌نماید.

نوع اخیر بحث و در رابطه با صحت آن اظهار نظر شده،^۲ اما پرداختن به قسم اول از نظر پنهان مانده و به آن پرداخته نشده است، لذا تنها در خصوص قسم اول مسئله بررسی می‌شود. ضرورت و اهمیت بررسی مشروعیت توثیق اسناد براتی در مرحله صدور، بدین جهت می‌باشد که اولاً در بانکداری و بازار، توثیق یاد شده رواج و شیوع دارد. ثانیاً پاسخ مثبت به این سؤال، سبب گسترش معاملات اعتباری می‌گردد. سؤال اصلی این پژوهش این است که توثیق اسناد براتی در مرحله صدور معتبر و مشروع است یا خیر؟ همچنین پرسش‌های فرعی که در این تحقیق به آن‌ها پاسخ داده خواهد شد، عبارت‌اند از:

۱. ماهیت اسناد براتی چیست؟

۲. ماهیت حقوقی توثیق آن اسناد در مرحله صدور چیست؟

۱. قید جهت ضمانت با توجه به بند ج ماده ۱۳ قانون صدور چک ممکن است در سند براتی قید نگردد و در قرارداد دیگری به آن اشاره گردد.

۲. برای آگاهی از نظرات صاحب‌نظران ر.ک: اخلاقی: «بحثی پیرامون توثیق اسناد تجاری»؛ جندقی: «جواز و شرایط وثیقه گذاری اسناد بازرگانی در فقه و حقوق تجارت»؛ باقری اصل و علوی: «نقش جواز و لزوم عقد رهن در توثیق اسناد تجاری»؛ علوی قزوینی و شکری: «رهن دین در نظام حقوقی ایران».



به نظر می‌رسد امری که از نظر مغفول مانده و در معدود نظرات اظهار شده، لحاظ نگردیده، آن است که توثیق اسناد یادشده در مرحله صدور دارای ماهیت حقوقی واحدی نبوده و اظهار نظر کلی در خصوص مشروعیت توثیق اسناد براتی در مرحله صدور صحیح نیست. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و منابع فقهی، حقوقی صورت پذیرفته است. در ابتدا در خصوص ماهیت اسناد براتی بحث نموده و سپس به ماهیت صدور توثیقی اسناد براتی پرداخته خواهد شد. در نهایت مشروعیت آن عمل حقوقی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۱. مفهوم‌شناسی

پیش از پرداختن به ماهیت سند براتی از حیث مال یا سند بودن و ماهیت صدور توثیقی آن اسناد از جهت قرار داشتن در ذیل کدام یک از عقود، شایسته است برخی از اصطلاحات بررسی شده و سپس در جهت نیل به مقصود حرکت نمود.

۱.۱. سند

در صورتی که خود شیء مرغوبیت نداشته، بلکه وسیله و گواهی بر شیء دیگری است که مرغوبیت حقیقی یا حقوقی دارد، آن شیء سند می‌باشد. (داوودی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۴-۶۳)

۱.۲. مال

هرگاه ارزش مبادله‌ای در یک شیء متبلور گردد، به طوری که آن شیء دارای مرغوبیت عقلایی و مورد تقاضا قرارگیرد، نه اینکه طریق و گواه بر شیء دیگری که مرغوب است، باشد، آن شیء مال است. آنچه که مشخصه مال بودن است، مرغوبیت و مطلوبیت داشتن خود آن شیء است، خواه بر اساس فایده حقیقی یا حقوقی و اعتباری باشد. (همان)

۱.۳. عقد رهن

مطابق ماده ۷۷۱ قانون مدنی، عقد رهن، عقدی است که به موجب آن، مدیون مالی را برای وثیقه به داین می‌دهد.



۱. ۴. عقد بی نام یا غیر معین

عقدی است که دارای عنوان معین نبوده و دارای مقررات اختصاصی ذکر شده در قانون نباشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۴۶۰) و مشروعیت آن بر اساس ماده ۱۰ قانون فوق باشد.

۲. ماهیت اسناد براتی

اموال را به تبعیت از قانون مدنی بر دو قسم اعیان و منافع تقسیم نموده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۳)؛ همانطور که اشاره شد؛ بنابر ماده ۷۷۴ قانون مدنی، موضوع عقد رهن، باید عین معین باشد. در صورتیکه برات، سفته و چک، سند باشند، قطعاً از تحت شمول تعریف اعیان خارج هستند؛ چراکه عین قسمی از اموال بوده و سند در برابر مال است. نظرات صاحب‌نظران در خصوص ماهیت اسناد براتی به شرح آتی می‌باشد:

۲. ۱. مال بودن اسناد براتی

برخی اسناد تجاری به مفهوم خاص (برات، سفته و چک) را دارای ارزش مالی دانسته و مال می‌دانند. موافقان این نظر را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود:

۱. برخی تنها به ذکر این نکته اکتفا نموده‌اند که اسناد براتی دارای ارزش مالی هستند (ستوده تهرانی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۶۴) و طیفی دیگر با استناد به عقیده عموم حقوق دانان اسناد براتی را مال می‌دانند (حسینی تهرانی، ۱۳۶۴: ۱۳۸) و اشاره‌ای نسبت به این امر نکرده‌اند که آن اسناد تحت شمول تعریف کدام نوع از اموال قرار می‌گیرد.

۲. دسته‌ای دیگر براین باورند که سند تجاری، در زمره اموال منقول غیر مادی است. (اخلاقی، ۱۳۶۸: ۱۸-۱۹؛ صقری، ۱۳۸۷: ۹۱؛ نیک فرجام، ۱۳۹۱: ۲۱۲) برخی باور خود را بی‌نیاز از هر بحثی دانسته و مدعی هستند که در بسیاری از مصادیق، ارزش مالی این‌گونه اموال، نه تنها کمتر از اموال مادی منقول به شیوه‌های سنتی نیست، بلکه به مراتب بیشتر از آن‌ها می‌باشد. (اخلاقی، ۱۳۶۸: ۱۸-۱۹) دلایل آن‌ها به شرح آتی بررسی خواهد شد:

۱. هر چند تنها در رابطه با برات اظهار نظر شده است، اما می‌توان نظر نگارنده را در رابطه با سایر اسناد براتی هم به جهت مشابهت استنباط کرد.

۲. ۱. ۱. ۱. مالیت داشتن سند براتی

برخی بر این باور هستند که اسناد براتی واجد وصف مالیت هستند، اما در خصوص علّت بهره‌مندی اسناد براتی از ارزش مالی، طریقی واحد طی نشده است:

۲. ۱. ۱. ۱. مالیت سند براتی با عنایت به وحدت بین سند و موضوع

ارزش مالی اسناد براتی از منظر عرف چنان با عین سند درآمیخته که انتقال و قبض و اقباض آن‌ها، به منزله قبض ارزش مندرج در آن‌ها است. (اخلاقی، ۱۳۶۸: ۱۹)

اشکال وارد بر این نظر، آن است که چنانچه بین سند و موضوع آن، وحدت محقق شود، سند براتی باید مال منقول مادی معرفی می‌گردید، در صورتی که قائل به آن نظر همان طور که گذشت، اسناد نامبرده را مال منقول غیر مادی معرفی نمود. در هر حال به نظر می‌رسد وحدت بین سند و موضوع آن در نظر عرف محقق نشده است و چنانچه نظر یادشده با واقع منطبق بود، با توجه به آنکه موضوع آن اسناد پول می‌باشد، باید نتایج ذیل حاصل می‌شد که تحقق آن‌ها محتمل به نظر نمی‌رسد:

۱. بدهکار باید بتواند در مقام ایفای دین اسناد براتی را تسلیم نماید و طلبکار ملزم به پذیرش باشد که این امر ممکن نیست (شهیدی، ۱۳۸۳: ۴۷)، زیرا ممکن است در تاریخ مندرج در سند، وجه آن پرداخت نگردد یا به دلیل ورشکستگی متعهد سند یا حوادث دیگر، دارنده نتواند آن را وصول نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۶)، لذا تسلیم سند براتی با تسلیم اسکناس تفاوت داشته و با توجه به ماده ۲۷۵ قانون مدنی طلبکار ملزم به پذیرش سند یادشده نمی‌باشد.

۲. بدهکار باید با تسلیم اسناد براتی و پذیرش آن‌ها از سوی طلبکار بریء الذمه گردد که این امر بعید به نظر می‌رسد (شهیدی، ۱۳۸۳: ۱۰۹؛ اسکینی، ۱۳۸۴: ۷)، چرا که بر اساس ماده ۲۴۹ قانون تجارت که بر اساس مواد ۳۰۹ و ۳۱۴ قانون مذکور شامل سفته و چک هم خواهد شد امضاکنندگان اسناد براتی مادام که وجه برات پرداخت نشده، در برابر دارنده این اسناد، مسئولیت دارند.

۲. ۱. ۱. ۲. مالیت سند براتی با امعان به تعهد متعهد

مالیت اسناد براتی از آنجا ناشی می‌شود که سند براتی، صرف نظر از معامله پایه، پس از انتقال به دارنده با حسن نیت، فی نفسه متضمن تعهد پرداخت مبلغ مندرج در آن می‌باشد که به اعتبار متعهدان آن، مورد معامله قرار می‌گیرد. (نیک فرجام، ۱۳۹۱: ۲۱۲)



در مقام نقد این نظر، شایان ذکر است که در این حالت هم، سند حاکی از وجود تعهد می‌باشد و نمی‌توان آن را به عنوان مال شناسایی نمود، چرا که کارکرد سند با امان بر آنکه یک برگ کاغذ بوده و فاقد وصفی جهت برطرف نمودن حوایج مردم می‌باشد، تغییری ایجاد نشده است. در حقیقت سند هرچند با توجه به وصف تجریدی بودن، سند معامله منشاء ایجاد دین نیست، اما سند تعهد امضاکنندگان آن اوراق می‌باشد.

۲.۱.۲. انتقال خود سند در معامله بر سند براتی

انتقال سند براتی، انتقال دین نیست، بلکه انتقال خود سند است؛ از این رو فی نفسه مال می‌باشد:

۱. زیرا در غیر این صورت اختلافی میان اسناد مذکور و برگه‌ای که طبق قواعد قانون مدنی تنظیم می‌شود، باقی نمی‌ماند. در واقع، حقوق دارنده، ناشی از سند و نه دین منعکس در آن است و مشارالیه حق مستقلی به دست می‌آورد که با حق دست‌های سابق فرق می‌کند و از آن گسترده‌تر می‌باشد. قانون نیز صورت ظاهر سند را مورد توجه قرار داده و برای دارنده با حسن نیت، حقوق مفصل پیش‌بینی نموده است. (صقری، ۱۳۸۷: ۹۱؛ همو، ۱۳۸۴: ۲۷-۲۶)
۲. مقنن در بند ۸ م. ۲ ق.ت. اسناد براتی را قابل معامله معرفی و در م. ۲۴۵ آن قانون، ظهرونیسی را وسیله انتقال برات دانسته که در مورد سفته و چک هم لازم‌الرعايه است. (نیک فرجام، ۱۳۹۱: ۲۱۳)
۳. ممکن است دینی وجود نداشته باشد که انتقال سند را به منزله انتقال دین دانست؛ به عنوان نمونه در برات، محیل، مدیون محتال نباشد. (همان)
۴. برخی فقیهان تنزیل چک (فروش چک به مبلغ کمتر) را به بدهکار مشروع دانسته‌اند. (همان: ۲۱۴)

به نظر می‌رسد دلایل ارائه شده توان اثبات مدعا را ندارد، زیرا: اولاً پذیرش این امر که در ظهرونیسی انتقال طلب رخ نمی‌دهد، سبب بهره‌مندی اسناد براتی از وصف مالیت نمی‌گردد و دارنده، این اسناد را تنها به امید آنکه بتواند مبلغ درج شده در سند را وصول نماید، می‌پذیرد. ثانیاً امکان ظهرونیسی، ملازمه‌ای با مالیت داشتن اسناد براتی ندارد. علاوه بر آنکه هر چند مقنن در ماده ۲ ق.ت. درصدد احصای معاملات تجارتي است، اما برخی از

۱. تنها در رابطه با برات اظهار نظر نموده‌اند.



مشاغل همانند تأسیس کارخانه، تصدی به بیمه‌گری را نیز ذکر نموده است، لذا استعمال (معاملات) در خصوص بروات نمی‌تواند دلیل متقنی جهت اثبات مال بودن آن اسناد باشد.

سوم اینکه مشروعیت تنزیل سند نیز با مالیت داشتن اسناد براتی ملازمه ندارد؛ همچنان که اکثر قریب به اتفاق فقها، ماهیت تنزیل را بیع دین تحلیل نموده‌اند (شهبازی‌نیا و اونق، ۱۳۹۲: ۱۰۳)، از این رو برخی از فقیهان که فروش چک را به بدهکار جایز دانسته‌اند، چک را به منزله پول نقد جهت تحقق ادای دین ندانسته‌اند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۵۱۲)

۲.۲. سند بودن اسناد براتی

مشهور، رأی به سند بودن و عدم مالیت اوراق تجارتنی به مفهوم خاص داده‌اند؛ برخی در این رابطه صریحاً اظهار نظر نموده‌اند (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۶۱۳؛ خوبی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۴۱۷؛ تبریزی، ۱۴۲۷ق: ۴۱۳؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق: ۲: ۴۷۲؛ سیستانی، ۱۳۹۳: ۵۶۱؛ مطهری، بی‌تا، ج ۲: ۲۹۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق: ۴۷۹؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۷۱۸؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۸۳۶-۱۵۹۶؛ همو، ۱۳۸۲: ۳۵۸؛ دمرچیلی و همکاران، ۱۳۸۴: ۵۱۵؛ عبادی، ۱۳۸۲: ۲۲۶-۲۲۷؛ کاتبی، ۱۳۸۷: ۱۸۲؛ رسایی‌نیا، ۱۳۷۳: ۱۵۸؛ اسکینی، ۱۳۸۴: ۷؛ یوسفی، ۱۳۷۷: ۱۳۰-۱۲۹؛^۲ داوودی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۴-۶۳؛ احمدوند، ۱۳۸۲: ۱۲۰) و برخی دیگر فحوای کلامشان دال بر این امر است (بهجت، ۱۳۸۶: ۱۰۳۶-۱۰۳۷؛^۳ کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۶، شهیدی، ۱۳۸۳: ۱۱۰-۱۰۹)

در میان اندیشمندان طیف دیگری هم وجود دارند که هر چند در رابطه با ماهیت اسناد براتی اظهار نظر نکرده‌اند، اما شاید دور از واقع نباشد که آن‌ها را هم می‌توان از قائلین به این قول محسوب نمود. در واقع آن‌ها اسکناس را که بر اساس ماده ۴ قانون

۱. در خصوص سفته و برات اظهار نظر نموده‌اند.

۲. تنها در رابطه با چک اظهار نظر نموده‌اند.

۳. فروش سفته و چک را در فرض سند دین بودن صحیح می‌دانند. روشن است که اگر اسناد نامبرده مال باشند، تنها در فرض سند دین بودن، بیع آن اسناد صحیح نخواهد بود.



پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱ ارتباطش با پشتوانه قطع شده است^۱ به عنوان سند شناسایی نموده اند (اصفهان، ۱۴۲۲ق: ۴۷۴؛ بهشتی، ۱۳۷۱: ۹۳؛ توتونچیان، ۱۳۷۰، ج ۳: ۱۵؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۶: ۳۹؛ صدر، بی تا: ۲۲۵-۲۲۴)، لذا باید به طریق اولی اسناد براتی را به عنوان سند شناسایی نمایند.

طرفداران این نظر بر این باورند که اوراق تجاری در معنای خاص دارای مالیت نبوده و صرفاً حاکی از مال هستند، بنابراین معاملاتی که به واسطه اوراق مذکور صورت می‌پذیرد توسط آن‌ها واقع نمی‌گردد، بلکه به واسطه پول و غیر پول که آن اوراق حاکی از آن‌ها هستند، صورت می‌پذیرد و چنانچه این اوراق در زمان مسئولیت غاصب تلف شود، ضمان محقق نمی‌گردد. (امام خمینی، بی تا، ج ۲: ۶۱۳) دلایل طرفداران این نظر به شرح ذیل می‌باشد:

۱. هرگاه ارزش مبادله‌ای در شیئی متبلور گردد، به طوری که آن شیء دارای مرغوبیت عقلایی و مورد تقاضا قرارگیرد، آن شیء مال است، اما برات، سفته و چک، سند و گواه بر شیء دیگری که مرغوب است، می‌باشند و خودشان مرغوبیت ندارند. (داوودی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۴-۶۳) به عبارت دیگر اوراق تجاری با نام، چون در نظر عرف بین سند و موضوع آن یگانگی وجود ندارد، این گونه اسناد، در حکم سند طلب هستند. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۵۴۱)

۲. اسناد براتی در تحت شمول تعریفی که قانونگذار از سند در ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی ارائه نموده است، قرار می‌گیرند. (اسکینی، ۱۳۸۴: ۷)

۱. ماده ۴ قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱ مقرر می‌دارد: «الف) تعهد بانک مرکزی ایران در مقابل اسکناس‌ها سگه‌های فلزی منتشر شده منحصر به پرداخت پول رایج کشور خواهد بود. ب) بانک مرکزی ایران در قبال سرقت یا فقدان یا از بین رفتن اسکناس‌ها و سکه فلزی در دست اشخاص هیچ گونه تعهد و مسئولیتی نخواهد داشت».

۲. ایشان اسکناس را مال مثلی و مادی می‌دانند، اما مثل پول دریافت شده را اسکناس‌هایی می‌دانند که دارای همان قدرت خرید باشد، هرچند اسکناس‌های بیشتری پرداخت شود، لذا ایشان موضوع قرض را قدرت خرید و اسکناس را سند آن می‌دانند. به عبارت دیگر از نظر ایشان حقیقت پول قدرت خرید می‌باشد و اسکناس صرفاً سند و فاقد مالیت است.



به نظر می‌رسد قول مشهور با عنایت به دلایل فوق و آنچه در خصوص رد مال بودن آن اسناد گذشت، به واقع نزدیک‌تر و با ظاهر قانون انطباق بیشتری داشته باشد.^۱ البته به نظر می‌رسد عرف چک مسافرتی و حتی چک تضمین شده را با توجه به تعاریف آن‌ها در حکم پول می‌داند.^۲ برخی از مراجع تقلید نیز بر این امر فتوا داده‌اند. (بهجت، ۱۳۸۶: ۱۰۳۱؛ صناعی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۵۳)^۴

۳. ماهیت حقوقی صدور اسناد براتی جهت توثیق

شناسایی ماهیت حقوقی توثیق اسناد تجاری در مرحله صدور، در بررسی مشروعیت آن عمل حقوق موثر است؛ نظرهای مختلفی در آن خصوص ممکن است طرح شود که به شرح آتی بررسی می‌شود:

۳.۱. صدق رهن بر توثیق اسناد براتی

پیش‌تر عنوان شد که برخی از حقوق دانان اسناد براتی را مال می‌دانند؛ بر همین اساس طیفی صریحاً ظهرنویسی با عنوان وثاقت را به جهت در حکم عین معین بودن اسناد یادشده (صقری، ۱۳۸۷: ۹۲-۹۱) و یا به واسطه استناد به ماده ۱۳۰۱ قانون مدنی (حسینی تهرانی، ۱۳۶۴: ۱۳۸-۱۳۹)، تحت شمول عقد رهن و ماده ۷۷۴ قانون مدنی می‌دانند. به نظر نمی‌رسد تفاوتی بین توثیق در مرحله ظهرنویسی و توثیق آن

۱. چرا که مقنن در ماده ۳۰۷ قانون تجارت در مقام تعریف سفته آورده است: «سفته طلب سندی است...». همچنین چک در ماده ۳۱۰ قانون مذکور این چنین تعریف شده است: «چک نوشته‌ای است...».
 ۲. مطابق ماده اول قانون صدور چک (مصوب ۱۳۵۵)، چک تضمین شده، چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می‌شود. یز چک مسافرتی چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هریک از شعب آن بانک توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می‌گردد. همچنین مقنن در ماده سوم قانون چک‌های تضمین شده (مصوب ۱۳۳۷) فوت، حجر و ورشکستگی صادرکننده چک تضمین شده را فاقد تأثیر در حقوق دارنده این چک می‌داند.

۳. آیا چک‌های بانکی و تضمینی از جهت فقهی ارزش مالی داشته و از جهت فقهی در حکم پول رایج است؟ جواب: ارزش مالی دارد، اما اینکه تمام احکام پول را داشته باشد، محتاج به ملاحظه هر مورد است.

۴. آیا چک‌های بانکی و تضمینی، ارزش مالی دارند؟ جواب: آری، اعتبار مالی دارند و در حکم پول رایج است.



اسناد در مرحله صدور وجود داشته باشد که سبب تفاوت حکم از سوی قائلین به آن نظر گردد، بنابراین توثیق اسناد براتی در مرحله صدور را در چارچوب عقد رهن صحیح می‌دانند.

۲.۳. رهن اسکناس

پیش‌تر اشاره شد که اسناد براتی فاقد مالیت بوده و صرفاً سند هستند؛ بر همین اساس چنانچه آن اوراق را سند اسکناس بدانیم، رهن آن‌ها در واقع رهن اسکناس خواهد بود و صحت و فساد آن تابع صحت آن عمل حقوقی خواهد بود. این نظر باتوجه به ماده ۳۱۰ قانون تجارت تقویت می‌گردد؛ قانونگذار در این ماده چک را نوشته و سندی می‌داند که از طریق آن صادرکننده در پول خود در نزد محال‌علیه تصرف می‌کند.

۳.۳. رهن دین

گفته شد که رهن دین باطل دانسته شده است (م. ۷۷۴ ق.م.ا) هرچند مشهور حقوق دانان در خصوص توثیق اسناد براتی از طریق ظهرنویسی در تحت شمول رهن دین تردیدی ندارند (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۵۴۰، ۵۴۱ و ۵۴۴؛ اسکینی، ۱۳۸۴: ۱۰۸-۱۰۷؛ دم‌چیلی و همکاران، ۱۳۸۴: ۵۱۵؛ علوی قزوینی، ۱۳۸۲: ۶۵-۶۳؛ جندقی، ۱۳۸۱: ۷۹، باقری‌اصل و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۵؛ شگری، ۱۳۹۰: ۷۷، ۹۵ و ۹۸) اما به نظر می‌رسد با توجه به آنکه در مرحله صدور هنوز سند به گردش در نیامده است، در خصوص توثیق سفته در مرحله صدور ایراد ممنوعیت رهن دین فاقد قوت است، زیرا صادرکننده سندی را صادر نموده که نسبت به پرداخت وجه موضوع آن در برابر دارنده سند با توجه به ماده ۳۰۷ قانون تجارت مسئولیت دارد و طلب خود از دیگری را به عنوان وثیقه در اختیار طلبکار قرار نمی‌دهد، بلکه ایراد فوق در رابطه با برات و چک از قوت بیشتری برخوردار است، چرا که ممکن است محال‌علیه به صادرکننده مقروض باشد.

۴.۳. تبدیل تعهد معلق

در رابطه با ماهیت توثیق اسناد براتی در مرحله صدور، امکان طرح ادعای تبدیل تعهد معلق، بی‌وجه به نظر نمی‌رسد. تبدیل تعهد از جهت تبدیل متعهد یا متعهدله (بند ۳

۱. بطلان رهن دین، قول مشهور در فقه است که البته مخالفانی دارد و در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.



و ۲ ماده ۲۹۲ قانون مدنی) در خصوص برات و چک قابل طرح است. همچنین از جهت تبدیل منشاء تعهد، راجع به هر سه قسم اسناد براتی امکان طرح این نظر وجود دارد. در تقویت این نظر می‌توان اظهار داشت مدیون اصلی برات و چک محال علیه می‌باشد، بنابراین از طرفی دین سابق که بر اساس آن دارنده باید به صادرکننده مراجعه می‌کرد، از بین می‌رود و تعهد جدیدی محقق می‌گردد که متعهد آن محال علیه است و از طرف دیگر دین سابقی که متعهدله آن صادرکننده بود تبدیل به دین جدیدی می‌گردد که ذی نفع آن دارنده سند براتی است.

همچنین تسلیم اسناد براتی به وسیله مدیون به داین، می‌تواند به عنوان منشأ پیدایش یک تعهد جدید تلقی گردد و ادعا شود با تسلیم آن اسناد به بستانکار، تعهد قبلی ساقط شده و تعهد جدیدی با همان موضوع و از یک منشأ جدید که تسلیم اسناد یاد شده می‌باشد، موجود می‌گردد. لازم به ذکر است تبدیل تعهد خواه از جهت تبدیل متعهد یا متعهدله باشد و خواه از جهت تبدیل منشاء تعهد، معلق بر عدم پرداخت دین از سوی صادرکننده است.

۳. ۵. معامله با حق استرداد

قرارداد دیگری که می‌توان در چارچوب آن، توثیق اسناد براتی، ممکن باشد، معامله با حق استرداد است، از این رو برخی پیشنهاد نموده‌اند که بدهکار می‌تواند در چارچوب معامله شرطی که به طور معمول در قالب بیع و صلح صورت می‌پذیرد و قبض در آنها شرط صحت نیست، اسناد مٔبٔت دین را به عنوان وثیقه، استفاده و از محل آن، اخذ اعتبار نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۴: ۵۴۶-۵۴۷) چرا که خریدار بر اساس ماده ۳۴ قانون ثبت مالک نمی‌شود و تنها می‌تواند فروش مال را جهت وصول طلب خود تقاضا نماید، از این رو معامله با حق استرداد که موضوع آن می‌تواند مال منقول و یا غیر منقول باشد، همان کارکرد رهن را خواهد داشت و بدهکار می‌تواند سند براتی را در قالب بیع و صلح در اختیار طلبکار قرار دهد، منوط به این شرط که چنانچه بتواند در موعد مقرر بدهی خود را بپردازد، سند را مسترد نماید. برخی بر این باور هستند این امر که دارنده تنها پس از اثبات عدم پرداخت بدهی می‌تواند وصول وجه سند را درخواست نماید، محل اشکال می‌باشد و با طبیعت سند براتی که متضمن یک تعهد مستقل می‌باشد، ناسازگار است (اسکینی، ۱۳۸۴: ۱۰۶) البته روشن است آنچه واقع می‌شود بیع یا صلح می‌باشد،



اگرچه کارکردی شبیه به رهن دارد، از این رو پرداختن بیشتر نسبت به صحت آن قرارداد، سبب دور شدن از غایت اصلی این نوشتار خواهد بود.

۳. ۶. ۱. عقدی بی نام

مشروعیت توثیق اسناد براتی به عنوان عقدی بی نام و خارج از چارچوب عقد رهن از منظر فقهی و حقوقی قابل بحث است که به شرح آتی بررسی می‌گردد:

۳. ۶. ۱. ۱. بررسی حقوقی توثیق سند براتی به عنوان عقدی بی نام

قانونگذار در ماده ۱۰ قانون مدنی اصل آزادی قراردادی را به صورت مشروط پذیرفته و قراردادهای خصوصی را در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ می‌داند. با توجه به اصل یادشده متعاقبین ملزم نیستند توافق خود را در چارچوب عقدی از عقود مصرح در قانون قرار دهند، بلکه کافی است قراردادهای مخالف قوانین امری نباشد (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۳۲؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۸) توثیق اسناد براتی در مرحله صدور را با توجه به آنکه از یک طرف در چارچوب هیچ یک از عقود معین نمی‌گنجد و از طرف دیگر مخالفتی هم با احکام امری قانونگذار ندارد، می‌توان از مصادیق ماده ۱۰ قانون مدنی شناسایی نمود. در حقیقت خصیصه قواعد مربوط به نظم عمومی، آن است که نقض آن‌ها موجب اخلال در یکی از شئون اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و... جامعه می‌شود، از این رو مقنن توافق خلاف آن‌ها را ممنوع دانسته است. ماده ۷۷۴ ق.م. مبنی بر لزوم عین معین بودن موضوع رهن، فاقد چنین مشخصه‌ای می‌باشد و عدول مقنن از آن حکم، در ماده ۱۱۴ ل.ا.ق.ت. دال بر این معنی است، چرا که در وهله اول قانونگذار باید به قواعد آمره پایبند باشد. (شهبازی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۲۳)

۳. ۶. ۲. بررسی فقهی توثیق سند براتی به عنوان عقدی بی نام

برخی از فقها در خصوص توثیق اسناد، به لزوم عین معین بودن، اشاره کرده‌اند و تیفی دیگری این قید را برای وثیقه گذاشتن آن اوراق، لازم ندانسته‌اند.

۳. ۲. ۱. لزوم عین معین بودن سند موضوع وثیقه

موضوع رهن باید عین معین بوده و رهن دین باطل می‌باشد. (علامه حلی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۳: ۱۲۶-۱۲۵؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۴۸-۴۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۲۴۶: ۲۰) این نظر، قول مشهور است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۵: ۱۱۶) و برخی از فقهای معاصر نیز با عنایت بر آن نظر، به استفتائی در خصوص توثیق اسناد براتی، پاسخ داده‌اند. استفتاء شده است: با توجه به اینکه رهن باید عین معین باشد، آیا می‌توان سند یا چک و نظیر آن را به طور مستقل و بدون قرارداد، نزد بانک یا کسی که از او وام گرفته شده به عنوان وثیقه قرار داد؟

پاسخ: در موردی که اسناد ذکر شده ارزش دارند، چنانچه باشد که طلبکار، وقت تخلف بدهکار از ادای بدهی از آن سند طلبش را استیفاء نماید، صدق وثیقه می‌کند و موارد مذکور عین معین هم هست و می‌توان آن را رهن قرار داد. (بهجت، ۱۳۸۶: ۱۱۱۸)

بر اساس این نظر چنانچه سند عین معین باشد، می‌تواند موضوع عقد رهن قرار گیرد و در غیر این صورت خیر.

۳. ۲. ۲. عدم ضرورت عین معین بودن سند موضوع وثیقه

برخی به خلاف نظر مشهور، مشروع بودن رهن دین را با عنایت بر امکان قبض آن بی‌وجه ندانسته‌اند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۲۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۵: ۱۱۸-۱۱۷) هرچند بنابر این نظر، موضوع عقد رهن گسترده‌تر می‌شود و این امر به معنای مشروعیت رهن دین تحت عنوان عقد بی‌نام نیست، اما در عدم استبعاد شرعیت توثیق دین، می‌تواند مفید باشد. در هر حال در رابطه با وثیقه قرار گرفتن اسناد براتی و لزوم عین بودن موضوع وثیقه پرسش‌هایی از برخی مراجع تقلید به شرح آتی طرح گردیده است که ظاهر عبارت آن‌ها دال بر پذیرش توثیق اسناد براتی به عنوان عقد بی‌نام می‌باشد. سؤال شده است: کسی که در حساب بانکی خود موجودی ندارد، آیا می‌تواند چکی را به عنوان وثیقه ضمانت از شخص دیگری صادر کند؟ آورده‌اند که «میزان در این‌گونه امور قوانین نظام

۱. در خصوص علل بطلان رهن دین در ادامه توضیح داده خواهد شد. رهن منفعت نیز باطل می‌باشد؛ ایجاد تدریجی منفعت و عدم امکان قبض منفعت، علت بطلان رهن منفعت هستند. (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۵: ۲۴۱)





جمهوری اسلامی می‌باشد»(خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۴۲۱)، لذا بنا بر این نظر در صورتی که صحت صدور چک به عنوان وثیقه از نظر حقوقی بدون اشکال باشد، از نظر فقهی با مانعی مواجه نیست. استفتای دیگری به این شرح شده است که:

در خصوص عینیت مال مرهونه با توجه به رویه اکثریت بانک‌ها(حتی بانک‌های اسلامی) که اسناد تجاری را مانند چک و سفته به عنوان وثیقه و رهن می‌پذیرند، آیا رهن این اسناد صحیح است؟

جواب: این کار، یعنی وثیقه گرفتن اسناد تجاری که در میان عده‌ای معمول شده است، اشکالی ندارد، خواه رهن نامیده شود یا نامیده نشود. شاید آن مواد قانونی که عینیت را در رهن معتبر دانسته به خاطر عنوان رهن بوده است و گرنه اصل این گونه قراردادهای هیچ‌گونه محذور شرعی ندارد.(مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۰۲)

همچنین از فقیه دیگر بدین شرح استفتاء شده است:

آیا بدهکار می‌تواند بابت وثیقه دین خود، چک یا سفته معتبری به دست طلبکار بدهد تا در صورتی که دین خود را ادا ننمود، طلبکار به راحتی بتواند چک یا سفته را به جریان اندازد و طلب خود را از آن به دست آورد؟ جواب: این گونه رهن‌ها گرچه رهن به غیر عین است، لیکن صحّتش خالی از قوت نیست.(صانعی، ۱۳۸۷: ۲: ۲۶۲)

۳.۷. نقد و نظر مختار

در خصوص نظرات طرح شده در رابطه با ماهیت توثیق اسناد براتی در مرحله صدور، شایان ذکر است که هیچ یک از نظرات یادشده به دلایل ذیل، مصون از اشکال نیست:

۱. ایراد وارد بر نظریه رهن بودن، سند بودن اسناد براتی است، بنابراین با توجه به آنکه قانونگذار موضوع عقد رهن را در ماده ۷۷۴ قانون مدنی عین معین می‌داند، توثیق اسناد تجاری در معنای خاص، نمی‌تواند به عنوان مصداق عقد رهن شناسایی گردد.

۲. نظری که توثیق اسناد براتی در مرحله صدور را، رهن اسکناس می‌داند، با توجه به دستور پرداخت بودن برات(ماده ۲۲۳ قانون تجارت) و تعهد به پرداخت بودن سفته(ماده ۳۰۷ قانون تجارت) قابل پذیرش نمی‌باشد، اما در خصوص چک با توجه به تعریف قانونگذار در ماده ۳۱۰ قانون اخیرالذکر چنانچه سند مذکور وعده‌دار و بی‌محل نبوده می‌تواند در چارچوب رهن اسکناس قرار بگیرد، مشروط



برآنکه چک براساس قرارداد قرض صادر نشده باشد، زیرا همان طور که در ادامه اشاره خواهد شد، حالت اخیر مصداق رهن دین خواهد بود.

۳. توثیق اسناد فوق در چارچوب رهن دین، با توجه به تعریفی که قانونگذار از سفته در ماده ۳۰۷ قانون تجارت ارائه نموده و فقدان شخص سومی، غیر از صادر کننده و دارنده، راجع به سند یادشده مقبول نمی‌باشد. در رابطه با برات لازم به ذکر است هر چند محال علیه معمولاً به صادرکننده بدهکار می‌باشد، اما منشاء تعهدش در برابر دارنده امضای برات است (ماده ۲۳۵ قانون تجارت)، نه توافق بین صادرکننده و دارنده، بنابراین رهن دین نمی‌تواند عنوان مناسبی جهت تطبیق با ماهیت توثیق برات در مرحله صدور باشد.

در خصوص چک، چنانچه رابطه قراردادی بین صادر کننده و محال علیه، قرض بوده و بر همین اساس صادر کننده به نفع دارنده چکی جهت توثیق صادر نماید، به نظر می‌رسد با توجه به تملیکی بودن عقد مذکور و مشغول شدن ذمه مقترض به ردّ بدل (ماده ۶۴۸ قانون مدنی)، رهن دین واقع شده است. بنابراین چنانچه شخصی به عنوان قرض الحسنه در بانک افتتاح حساب نماید و براساس آن چکی به منظور وثاقت صادر نماید، در واقع طلب خود از محال علیه را در رهن گذاشته است.

۴. در خصوص وقوع تبدیل تعهد معلق از جهت متعهد و متعهدله، شایان ذکر است با تسلیم برات و چک، تعهد صادرکننده در برابر دارنده و نیز تعهد محال علیه در برابر صادرکننده ساقط نمی‌شود و تعهدات مزبور تا وصول وجه مندرج در اسناد یادشده باقی می‌ماند (ماده ۲۴۹ قانون تجارت) این امر در صورتی است که در تبدیل تعهد، تعهد پیشین ساقط و ذمه متعهد نسبت به آن آزاد می‌گردد.^۱ همچنین در موارد استثنائی که به جهت عدم رعایت تکالیف قانونی از سوی دارنده برات نظیر درخواست قبولی و طرح دعوی در مدت مقرر (مواد ۲۷۴ و ۲۸۶ قانون تجارت)، ذمه صادرکننده در صورتی که وجه سند را به محال علیه رسانده باشد، آزاد می‌شود (۲۷۴ و ۲۹۰ قانون تجارت)؛ نیز تبدیل تعهد

۱. مشتری چکهایی را با بایع می‌پردازد که صادرکننده آن شخص ثالثی است. در صورت عدم تبدیل چکهها به وجه نقد (به لحاظ عدم موجودی) آیا بایع حق رجوع به مشتری را دارد یا اینکه با قبول چک ثالث، ذمه مشتری بری و ضمان به صاحب چک (شخص ثالث) منتقل می‌شود؟ چک حواله‌ای بیش نیست و ذمه خریدار تا چک وصول نشود، مدیون فروشنده است، مگر اینکه فروشنده در حین معامله بپذیرد که ذمه ثالث را به جای ذمه خریدار قبول کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۲۲۳)



به اعتبار تبدیل مدیون واقع نمی‌شود، بلکه فقط عهده صادرکننده از قید تعهد آزاد می‌گردد، ولی تعهد مزبور جای خود را به تعهد دیگر نمی‌دهد. (شهیدی، ۱۳۸۳: ۱۶۴)^۱

همچنین در جهت زدودن این تصور که ممکن است تسلیم سند براتی معلق به وسیله مدیون به داین، منشأ پیدایش یک تعهد است و با حصول معلق علیه (عدم پرداخت دین از سوی صادرکننده)، منشأ تعهد صادرکننده تبدیل می‌شود، باید اظهار نمود هنگام تسلیم، طرفین هدفی جز فراهم ساختن وسیله خاصی به صورت معلق، جهت ایفای تعهدی که قبلاً موجود بوده، ندارند و قرارداد جدیدی که مؤلّد تعهدی مستقل و جدا از تعهد پیشین باشد، موضوع اراده و انشای ایشان قرار نمی‌گیرد. همچنان که از مقررات مربوطه نمی‌توان تشکیل چنین قراردادی را به وسیله تسلیم اسناد مذکور استنباط کرد. (همان: ۱۶۶)^۲

۵. هرچند نظری که توثیق اسناد براتی در مرحله صدور را تحت شمول ماده ۱۰ قانون مدنی معرفی می‌نماید، بیشتر مصادیق قرارداد مذکور را شامل می‌گردد، اما همان طور که گذشت، مواردی وجود دارد که مصداق رهن اسکناس و رهن دین قرار می‌گیرد. بنابراین دور از واقع نخواهد بود، چنانچه اظهار نماییم عمومیت نظر مذکور با اشکال مواجه می‌گردد.

با توجه به آنچه گذشت، به نظر می‌رسد جز مواردی که تحت شمول رهن اسکناس و رهن دین قرار می‌گیرد، ماده ۱۰ قانون مدنی می‌تواند عنوان مناسبی جهت تطبیق بر ماهیت توثیق اسناد براتی در مرحله صدور، معرفی گردد.

۴. صحت یا بطلان صدور اسناد براتی جهت توثیق

با عنایت به واحد نبودن ماهیت توثیق اسناد براتی در مرحله صدور، نمی‌توان حکم واحدی در خصوص صحت یا بطلان آن عمل حقوقی صادر نمود، از این رو موارد مشمول رهن اسکناس، رهن دین و عقود بی‌نام به تفکیک بررسی خواهد شد.

۱. هر چند نظر شهیدی در رابطه با برات است، اما می‌توان نظر وی را در رابطه با چک هم به جهت مشابهت بین اسناد یاد شده استنباط کرد.

۲. با توجه به آنکه نظر شهیدی در خصوص برات و در فرضی است که برات به صورت منجز صادر شده، ناگزیر بودیم جهت امکان استفاده از استدلال ایشان در عبارات کمی دخل و تصرف نماییم.

۴. ۱. موارد مشمول رهن اسکناس

پیش‌تر عنوان شد در صورت وجود شرایط ذیل، توثیق چک، رهن اسکناس بوده و صحت آن، تابع صحت رهن اسکناس خواهد بود:

۱. بی وعده و دارای محل بودن چک؛

۲. عدم صدور چک براساس قرض.

در خصوص صحت رهن اسکناس اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را صحیح می‌دانند (صانعی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۶۲؛ کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۵۴۱-۵۴۰؛ اصغری آق‌مشهدی، میری، ۱۳۸۸: ۱۲۲) و برخی دیگر باطل (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ۶۱؛ قنوتی، ۱۳۸۴: ۵۷)، اما همچنان که در محل خود آمده است صحت رهن اسکناس باتوجه به عین معین بودن پول و امکان وجود غایت عقلایی در رهن آن، با مانعی مواجه نیست. (ایزدی فرد و بهرامی، ۱۳۹۲: ۵۵)

۴. ۲. موارد مشمول رهن دین

هرگاه صادرکننده بر اساس بدهکار بودن محال‌علیه به جهت عقد قرض، چکی جهت توثیق به نفع دارنده صادر نماید، با توجه به تملیکی بودن عقد مذکور و مشغول شدن ذمه مقترض به ردّ بدل (ماده ۶۴۸ قانون مدنی) رهن دین واقع شده است. رهن دین به صراحت در ماده ۷۷۴ قانون مدنی باطل دانسته شده است. مهم‌ترین دلایل بطلان رهن دین به شرح ذیل می‌باشد:

۱. بر اساس ماده ۷۷۲ قانون مدنی قبض در وقوع رهن ضرورت دارد، مستند این ماده، آیه ۲۸۳ سوره بقره و برخی از روایات مانند «لایکون الرهن إلا مقبوضا» است. (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳: ۴۱۹) باتوجه به آنکه دین، کلی و فاقد وجود خارجی بوده، بنابراین قبض آن ممکن نیست. در حقیقت آنچه را که به واسطه تعیین مدیون قبض می‌شود، دین نیست، بلکه مصداق آن است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۲۱؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۴۹؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۶: ۲۱)

۲. وثیقه گرفتن برای حصول اطمینان از استیفا دین می‌باشد، پس چگونه ممکن است دینی که وصول آن مورد تردید است، وثیقه برای دین دیگری باشد. (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۴۹؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۶: ۲۱-۲۲)

با توجه به نصّ فوق‌الذکر (ماده ۷۷۴ قانون مدنی) چنانچه صادرکننده طلب خود از بانک را با تسلیم چک به عنوان وثیقه در اختیار طلبکار قرار دهد، عمل حقوقی یادشده





باطل بوده و دارنده نمی‌تواند در صورت عدم انجام تعهد از سوی صادرکننده وجه مندرج در چک را وصول نماید.

۳.۴. موارد مشمول عقود بی‌نام

دلایل ذیل گواه صحت توثیق اسناد براتی در مواردی است که تحت شمول ماده ۱۰ قانون مدنی قرار می‌گیرد، می‌باشد:

۱.۳.۴. پذیرش اصل آزادی قراردادی

قانونگذار اصل آزادی قراردادی را در ماده ۱۰ قانون مدنی طرح و اراده متعاقدين را غير از مواردی که با قانون معايرت صريح دارد، به عنوان سبب مشروعيت قراردادها پذيرفته است؛ با ايمان به اين امر و عدم مخالفت توافق طرفين با اراده قانونگذار، به نظر نمی‌رسد توثيق اسناد براتی در مرحله صدور با مانعی مواجه باشد. ممکن است اشکال شود توافق طرفين با عنایت به ماده ۷۷۴ ق.م. با اراده مقتن در تضاد می‌باشد، لذا چنین قراردادی فاقد مشروعیت خواهد بود. اگرچه عین معین بودن بر اساس آن ماده، در عقد رهن ضروری است، اما قراردادهای بی‌نام، مشروعیت خود را از ماده ۱۰ ق.م. برخوردار می‌باشند، لذا به نظر می‌رسد شروط اختصاصی مربوط به رهن، در آن قراردادها لازم‌الرعایه نباشد. چه بسا این امر را از قسمت دوم آن ماده که اشاره به مخالفت صریح دارد، بتوان استفاده نمود. این امر از جهت فقهی نیز استبعادی نداشته و برخی از مراجع تقلید، بر همین اساس فتوا داده‌اند که بیشتر ذکر شد.

۲.۳.۴. عدم ضرورت رعایت شروط اختصاصی عقود معین در صلح

صلح عقدی مستقل است، هرچند که نتیجه آن، اثر عقد دیگری باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۱۷۵) بنابراین دلیلی بر تبعیت عقد صلح از احکام قرارداد دیگر وجود ندارد. مقتن نیز این حکم را در ماده ۷۵۸ قانون مدنی پذیرفته است، از این رو صلح هم می‌تواند وسیله‌ای جهت تحقق اصل آزادی اراده بوده و کارکردی مشابه با ماده ۱۰ قانون مدنی داشته باشد، لذا با ايمان به وجه مشترک عقود بی‌نام و صلح، می‌توان با استفاده از وحدت ملاک، آنچه را در ماده ۷۵۸ ق.م. آمده است، در خصوص عقود بی‌نام هم صادق دانست.

۴.۳.۳. اصل صحت

در خصوص اجرای اصل صحت در شبهات حکمی به ویژه صحت قراردادهایی از قبیل بیمه بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی بر این باور هستند که صحت عقود منوط به حکم شارع است، چنان که در مورد بیع «احل الله البیع» وجود دارد و در صورت تردید، اصل بر فساد عقد می‌باشد (بهبهانی، ۱۴۱۹ق: ۳۱۳؛ نراقی، ۱۴۱۷ق: ۱۶۰؛ نراقی، ۱۴۲۲ق: ۱۳) و طیفی دیگر اصل را بر صحت عقود گذاشته‌اند. (فاضل مقداد، ۱۴۲۵ق، ج ۲: ۷۱؛ یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۷۱۱؛ نائینی، ۱۳۷۳ق، ج ۱: ۱۰۴؛ کاشف الغطاء، ۱۳۵۹ق، ج ۱: ۶۸؛ خویی، بی‌تا، ج ۲: ۱۴۲)

مقنن در ماده ۲۲۳ قانون مدنی اصل صحت را در قراردادها پذیرفته است. یکی از آثار اصل یادشده، آن است که در صورت تردید در مخالفت قراردادی با قوانین، اصل بر صحت آن معامله خواهد بود. (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۷۳) در مانحن فیه نیز با عنایت به ماده فوق در صورت حدوث تردید، اصل بر صحت می‌باشد.

۴.۳.۴. اصل اباحه

میزان مباحات و تعداد آن‌ها به مراتب بیشتر از واجبات، محرمات، مستحبات و مکروهات است و از همین مقایسه اصل اباحه کشف می‌گردد؛ اصل اباحه قاعده‌ای است که به موجب آن انسان نسبت به اشیای موجود حق هرگونه دخل و تصرف را دارد، مگر در مواردی که قانون منع کرده باشد، لذا این اصل ضامن آزادی اراده در معاملات است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۶۰۸-۶۰۷) در حقیقت اگر الزام صریح در موردی وجود نداشته باشد، آزادی اراده حاکم است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۶۳) برخی از فقیهان به اصل نامبرده در اثبات صحت عقود استناد نموده‌اند و این قول را به فقها نسبت داده‌اند. (میرزای قمی، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۴۶۳)^۲ از این رو بر اساس اصل اباحه، وثیقه قرار گرفتن اسناد براتی توسط صادر کننده، صحیح می‌باشد.

۱. «فإن الظاهر صحته للعمومات إذ هو نوع من المعاملات العقلانية و لا نسلم انحصارها في المعهودات و لاجابة إلى الدليل الخاص لمشروعيتها بل كل معاملة عقلانية إلال ما خرج بالدليل خاص كما هو مقتضى العمومات».

۲. «لا يبعد التمسك في صحة المعاملة بأصل الإلحة و أصل البرائة؛ إذ هو من الأدلة الشرعية و هو أيضا كثير في





۴.۳.۵. اصل لزوم

پایبندی به عقود به استناد آیه شریفه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» ضروری است؛ لازمه این امر، صحت قراردادهای می‌باشد، چرا که دلیلی بر ترتب اثر بر عقد فاسد وجود ندارد. (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۰) برخی از فقیهان اصل لزوم را در شبهات حکمی و موضوعی مفید دانسته و عقود مانند مغارسه را صحیح می‌دانند. (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹ق، ج ۱: ۶۸) مقنن در ماده ۲۱۹ ق.م. لازم‌الایتناع بودن قراردادهای را ضروری دانسته است؛ لذا عدم پایبندی به توثیق اسناد براتی در مرحله صدور، با آن ماده مغایرت دارد.

۴.۳.۶. اصل عدم

قرارداد مشکوک به حکم ماده ۱۰ ق.م. صحیح است. در صورتی که در وجود قانون مخالف با قرارداد تردید شود، به صرف احتمال وجود چنین قانونی نمی‌توان قرارداد را باطل دانست، زیرا امور حادث کلاً مسبوق به عدم و وجودشان محتاج دلیل است. (حائری، ۱۳۷۳: ۸۷) این استدلال را قسمت دوم آن ماده که مخالفت صریح قانون با قرارداد را ضروری می‌داند و به مغایرت ضمنی اکتفا نمی‌کند، تأیید می‌نماید.

۴.۳.۷. مشروعیت عقد معلق

صرف نظر از اختلافات صاحب‌نظران در رابطه با قرارگرفتن اسناد براتی در ذیل عنوان کدام یک از مصادیق عقد، به نظر می‌رسد در عقد بودن صدور معلق اسناد یادشده تردید روا نباشد. قانونگذار در ماده ۱۸۹ قانون مدنی مشروعیت عقدی را که اثر آن معلق شده، پذیرفته است. (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۱: ۵۸-۵۹؛ شهیدی، ۱۳۸۴: ۷۳) بنابراین با استفاده از ماده فوق می‌توان مشروعیت توثیق اسناد یاد شده را در مرحله صدور پذیرفت.

۴.۳.۸. صدور چک جهت تضمین در قانون صدور چک

مقنن در ماده ۱۳ قانون صدور چک مشروط شدن وصول وجه چک در متن آن سند (بند ب) و وثیقه قرار گرفتن چک، جهت تضمین اعم از آنکه در متن آن سند قید شده باشد یا خیر را فاقد ضمانت اجرای کیفری دانسته است (بند ج و د)؛ حال در صورتی که صدور چک جهت تضمین نامعتبر بود، آیا لزومی داشت مقنن متذکر شود که آن چک فاقد قابلیت تعقیب کیفری می‌باشد؟ لازمه عبارت قانونگذار آن است که چک یادشده، معتبر باشد، در غیر این صورت سلب امکان پیگیری کیفری، بی‌وجه بود و کافی بود قانونگذار به نامشروع بودن اشاره کند.

۹.۳.۴. پذیرش توثیق اسناد براتی در برخی از مقررات بانکی

نصوصی دال بر جواز توثیق اسناد یافت می‌شود، به عنوان نمونه در ماده ۱۱۴ ل.ا.ق.ت. مصوب ۱۳۴۷ توثیق سهام پذیرفته شده است.^۱ در خصوص توثیق اسناد براتی شایان ذکر است که در ماده واحده «قانون عدم الزام سپردن وثیقه ملکی به بانکها و دستگاهها و سایر موسسات و شرکت‌های دولتی به منظور تسهیل امر سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال بیشتر در طرح‌های تولیدی و صادراتی مصوب ۱۳۸۰/۳/۲۷» چک یا سفته با ظهرنویسی ضامن معتبر را به عنوان وثیقه جهت اعطای تسهیلات بانکی، در خصوص طرح‌های تولیدی پذیرفته است.^۲ همچنین در بند «د» ماده ۲ «آیین نامه صدور ضمانت‌نامه و ظهرنویسی از طرف بانکها» مصوب ۱۳۸۲، سفته با دو امضا قابل قبول بانک را، در زمره وثایق قابل قبول برای صدور ضمانت‌نامه و ظهرنویسی احصاء می‌نماید.^۳

نتیجه‌گیری

اسناد براتی به قضاوت عرف مال به شمار نمی‌آید، اما تنها در فرضی که قرارداد بین صادر کننده چک و محال علیه قرض باشد و بر همین اساس صادر کننده به نفع دارنده چک صادر نماید، توثیق اسناد یاد شده در مرحله صدور با مانع عدم مشروعیت رهن دین (ماده ۷۷۴ ق.م.ا)، مواجه می‌گردد.

در مواردی که عمل حقوقی مذکور تحت شمول رهن اسکناس قرار می‌گیرد (حالتی که چک بی وعده و دارای محل بر اساس عقد قرض صادر نشده نباشد) با توجه به عین معین بودن اسکناس و امکان وجود غایت عقلایی در رهن پول، با مانعی مواجه نیست. همین طور توثیق اسناد براتی در مرحله صدور در مواردی که تحت شمول عقود بی‌نام

۱. «مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است دارا باشند... سهام مذکور در صندوق شرکت به عنوان وثیقه باقی خواهد ماند».

۲. «بانکها و دستگاهها و سایر مؤسسات و شرکت‌های دولتی موظف هستند به منظور تضمین باز پرداخت اعتبارات خود نسبت به اخذ وثایق ذیل اقدام کنند و بدون رضایت گیرنده اعتبار از اخذ وثیقه ملکی خارج از طرح خودداری نمایند. در طرح‌های تولیدی: رهن گرفتن... چک یا سفته با ظهرنویسی ضامن معتبر...».

۳. «انواع وثایق قابل قبول برای صدور ضمانت‌نامه و ظهرنویسی به شرح ذیل می‌باشد: ... (د) سفته با دو امضا قابل قبول بانک...».





قرار می‌گیرد؛ با امعان به ماده ۱۰ قانون مدنی، وحدت ملاک ماده ۷۵۸ آن قانون با ماده مذکور، اصول صحت، اباحه، لزوم و عدم، پذیرش عقد معلق در ماده ۱۸۹ قانون فوق و شناسایی صدور چک جهت تضمین، در قانون صدور چک و برخی از قوانین و آیین-نامه‌های ناظر بر اعطای تسهیلات بانکی، معتبر می‌باشد.

شایان ذکر است نظریه مشروع بودن وثیقه نهادن اسناد براتی در چارچوب عقد رهن و تبدیل تعهد معلق، قابل ردّ بوده و فاقد مستند قانونی و حقوقی می‌باشد.

منابع و مآخذ:

- اصفهانی، سید ابوالحسن (۱۴۲۲ ق)، *وسيلة النجاة*، ج ۱، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- اخلاقی، بهروز (۱۳۶۸)، «*بحثی پیرامون توثیق اسناد تجاری*»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۲۴، ص ۲۳-۱.
- اسکینی، ربیعا (۱۳۸۴)، *برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک*، ج ۹، تهران: سمت.
- احمدوند، معروفعلی (۱۳۸۲)، «*مروری بر ماهیت شناسی پول و دیدگاه فقیهان*»، فقه، س ۱۰، ش ۳۶، ص ۱۴۷-۷۴.
- اصغری آق‌مشهدی (۱۳۸۸)، *فخرالدین، میری، حمید، «رهن اسکناس»*، مجله نامه حقوقی، ۷۳، ج ۵، ش ۱، ص ۱۲۴-۱۰۵.
- ایزدی‌فرد، علی اکبر و حسین بهرامی (۱۳۹۲)، «*رهن اسکناس*»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، س ۱۰، ش ۳۴، ص ۵۸-۳۹.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق)، *الحدائق الناظرة فی أحكام العترة الطاهرة*، ج ۲۰، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.



- بهشتی، سید محمد (۱۳۷۱)، *ریا در اسلام*، ج ۱، تهران: دفتر انتشارات فرهنگ اسلامی.
- بهجت، محمد تقی (۱۳۸۶)، *استفتانات آیت‌الله بهجت*، ج ۱، قم: دفتر آیت‌الله بهجت.
- باقری اصل، حیدر و همکاران (۱۳۸۸)، «*نقش جواز و لزوم عقد رهن در توثیق اسناد تجاری*»، دو فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دفتر ۱، ص ۴۹-۶۸.
- تبریزی، جواد (۱۴۲۷ق)، *المسائل المنتخبة*، ج ۵، قم: دار الصدیقة الشهیدة علیه السلام.
- توتونچیان، ایرج (۱۳۷۰)، «*نگاهی به پول و وظایف آن در اقتصاد اسلامی*»، مجموعه مقالات فارسی اولین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی، ج ۳، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ص ۲۳-۱.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، ج ۱ و ۲، ج ۳، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- _____ (۱۳۸۲)، *ترمینولوژی حقوق*، ج ۱۳، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- _____ (۱۳۸۲)، *مجموعه محشای قانون مدنی*، ج ۲، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- _____ (۱۳۷۰)، *حقوق مدنی. رهن و صلح*، ج ۲، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جندقی، بهروز (۱۳۸۱)، «*جواز و شرایط وثیقه گذاری اسناد بازرگانی در فقه و حقوق تجارت*»، مجله معرفت، ش ۵۱، ص ۷۷-۹۰.
- حسینی تهرانی، سید مرتضی (۱۳۶۴)، «*ظهورنویسی، مقررات و انواع آن*»، فصلنامه حق «مطالعات حقوقی و قضائی»، ش ۴، ص ۱۵۰-۱۰۴.
- حائری، مسعود (۱۳۷۳)، *مبانی فقهی اصل آزادی قراردادها و تحلیلی از ماده ۱۰ قانون مدنی*، ج ۲، تهران: سازمان انتشارات کیهان.



- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، *منهاج الصحاح*، ج ۲۸، قم: مدینه العلم.
- _____ (بی تا)، *مصباح الفقاهه*، ج ۲، [بی جا].
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۶)، *اجوبه الاستفتاءات (ترجمه فارسی)*، ج ۱۳، تهران: انتشارات بین‌المللی المهدی.
- داوودی، پرویز، نظری، حسن، میر جلیلی، سید حسین (۱۳۸۸)، *پول در اقتصاد اسلامی*، ج ۱، تهران: سمت.
- رسائی‌نیا، ناصر (۱۳۷۳)، *کلیات حقوق بازرگانی (تجارت)*، تهران: موسسه انتشاراتی و ستار.
- سیستانی، سید علی (۱۳۹۳)، *توضیح المسائل*، ج ۳۱، مشهد: دفتر حضرت آیه الله العظمی سیستانی.
- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۹)، *حقوق تجارت*، ج ۳، تهران: نشر دادگستر.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، *روضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی-کلانتری)*، ج ۴، ج ۱، قم: کتابفروشی داوری.
- _____ (۱۴۱۳ق)، *مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*، ج ۴، ج ۱، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۴)، *تشکیل قراردادها و تعهدات*، ج ۴، تهران: انتشارات مجد.
- _____ (۱۳۸۳)، *سقوط تعهدات*، ج ۶، تهران: انتشارات مجد.
- شهبازی‌نیا، مرتضی (۱۳۸۶)، «انتقال و توثیق ضمانتنامه مستقل بانکی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱، ش ۸۶، ص ۱۰۷-۱۲۶.
- شهبازی‌نیا، مرتضی، اونق، شهرزاد (۱۳۹۲)، «تحلیل ماهیت حقوقی و مشروعیت تنزیل اسناد تجاری بر مبنای ماهیت بسیط و مرکب در فقه و اندیشه‌های حقوقی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۷، ش ۹۹، ص ۱-۱۲۰.
- شکری، فریده (۱۳۹۰)، «رهن دین در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۷۵، ص ۷۵-۱۱۲.



- صدر، محمد باقر (بی تا)، *الاسلام يقود الحياة*. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- صانعی، یوسف (بی تا)، *مجمع المسائل*، ج ۲، قم: انتشارات میثم تمار.
- صقری، محمد (۱۳۸۷)، *حقوق بازرگانی - اسناد*، ج ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- _____ (۱۳۸۴)، «*ظهورنویسی وثیقه‌ای در اسناد تجارتمی*»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضایی و خدمات اداری، ش ۳۶ و ۳۷، ص ۲۵-۳۳.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق)، *تذکرة الفقهاء*، ج ۱۳، ج ۱، قم: موسسه آل البيت علیه السلام.
- عبادی، محمد علی (۱۳۸۲)، *حقوق تجارت*، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- علوی قزوینی (۱۳۸۲)، سید علی، «*رهن دین*»، مجله اندیشه‌های حقوقی، ش ۴، ص ۸۰-۶۳.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۲۵ق)، *کنزالعرفان فی فقه القرآن*، ج ۲، ج ۱، قم: انتشارات مرتضوی.
- فنواتی، جلیل، *تقریرات درس حقوق مدنی*، ۷، دانشکده حقوق، پردیس قم (دانشگاه تهران)، سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۵.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، *جامع المقاصد*، ج ۵، ج ۲، قم: موسسه آل البيت علیه السلام.
- کاشف الغطاء، محمد حسین (۱۳۵۹ق)، *تحریر المجله*، ج ۱، ج ۱، نجف: المكتبة المرتضوية.
- کاتبی، حسینقلی (۱۳۸۷)، *حقوق تجارت*، ج ۱۲، تهران: گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲)، *حقوق مدنی عقود اذنی - وثیقه های دین*، ج ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
- _____ (۱۳۸۳)، *قواعد عمومی قراردادها*، ج ۱، ج ۲ و ۴، ج ۶، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.



- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳)، *حقوق مدنی اموال و مالکیت*، ج ۸، تهران: نشر میزان.
- _____ (۱۳۹۲)، *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*، ج ۳۶، تهران: نشر میزان.
- مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ ق.)، *العناوین*، ج ۲، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (بی تا)، *تحریر الوسیله*، ج ۲، ج ۱، قم: موسسه مطبوعات دار العلم.
- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ ق.)، *القواعد الفقهیه*، ج ۶، ج ۱، قم: نشر الهادی.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۷۶)، «*احکام فقهی پول در مصاحبه با آقایان: ابوطالب تجلیل، مَحَد هادی معرفت، مَحَد مهدی آصفی سید مَحَد حسن مرعشی، سید محمد موسوی بجنوردی*»، مجله فقه اهل بیت، ش ۷، ص ۴۲-۹.
- نجفی، شیخ محمد حسن (۱۴۰۴ ق.)، *جواهر الکلام فی شرح الشرائع الإسلام*، ج ۲۵، ج ۷، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
- نائینی، میرزا محمد (۱۳۷۳ ق.)، *منیة الطالب*، ج ۱، ج ۱، تهران: المکتبه المحمدیه.
- نراقی، مولی احمد (۱۴۱۷ ق.)، *عوائد الأيام*، ج ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نراقی، مولی محمد (۱۴۲۲ ق.)، *مشارق الحکام*، ج ۲، قم: کنگره نراقیین ملامهدی و ملااحمد.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق.)، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۳، ج ۱، بیروت: موسسه آل البيت علیه السلام.
- نیک فرجام، کمال (۱۳۹۱)، «*رهن و وثیقه اسناد براتی در حقوق ایران و انگلیس*»، دوره ۱۷، دیدگاه‌های حقوقی قضایی، ش ۵۷، ص ۲۳۲-۲۰۵.



- میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۴۲۷)، *رسائل المیرزا القمی*، ج ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان.
- مطهری، مرتضی (بی تا)، *مجموعه آثار*، ج ۲۰، ج ۱، قم: [بی نا].
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق)، *القواعد الفقهیه*، ج ۲، ج ۳، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
- _____ (۱۴۲۴ق)، *رساله توضیح المسائل*، ج ۲، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
- _____ (۱۳۸۱)، *استفتائات جدید*، ج ۲، ج ۳، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
- _____ (۱۳۸۳)، *استفتائات جدید*، ج ۳، ج ۱، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
- وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸ق)، *منهاج الصالحین*، ج ۲، ج ۵، قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۶ق)، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل البيت علیهم السلام*، ج ۱، قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل البيت علیهم السلام.
- یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹ق)، *العروة الوثقی*، ج ۲، ج ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- یوسفی، احمد علی (۱۳۷۷)، «*پول جدید از نگاه اندیشمندان*»، فقه اهل البيت علیهم السلام، س ۴، ش ۱۶، ص ۱۵۰-۱۰۸.

